

## ۴۰ حدیث در احکام بانوان

الأربعون النسائية

(۴۰) حدیث در احکام بانوان

تألیف:

محمد بن شاکر الشریف

ترجمه:

إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی

۱۳۸۲/۱۴۲۴ هـ

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي خلق الزوجين الذكر والأنثى والصلاة والسلام على القائل: خيركم خيركم لأهله وأنا خيركم لأهلي وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد:

زن در اسلام نقش مهمی را ایفاء می کند، بعضی از امتهای قبل هیچ حقی را برای زن قائل نبودند، و حق او را از او سلب می کردند، ولی اسلام تمامی حقوق مشروع را به زن بازگرداند.

زن نصف جامعه اسلام و بشریت را داراست، او مادر، خواهر، دختر، و ووی می باشد.

در قرآن کریم و سنت پیامبر □ هر خطابی که بر مرد می شود، زن نیز شامل آن است، و هیچ فرقی بین زن و مرد در شریعت اسلام وجود ندارد، تنها فرقی که بین زن و مرد است در میراث می باشد، آنهم بسبب اینکه مرد مسؤولیت کامل کانون خانواده را به عهده دارد، و اوست که باید نفقه و هزینه تمامی افراد خانواده را تهیه نماید، گرچه زن او تاجر هم باشد، نفقه زن بر عهده مرد است.

ولی با اینحال خواستیم با ترجمه کردن این احادیث که ویژه خواهران می باشد، خدمتی به آنها کرده باشیم و بدانند که به فراموشی سپرده نشده اند.

امید است خداوند این عمل را خالص برای رضایت خود بگرداند، و از خوانندگان محترم التماس دعا داریم.

إسحاق بن عبدالله دبیری

ریاض ذی حجه ۱۴۲۳ هـ ق

اسفند ۱۳۸۱ هـ ش

مقدمه مؤلف

این مجموعه احادیث نبوی که متعلق به احکام شریعت است ویژه زنان می باشد، آنرا جمع کرده و ترتیب دادم و امیدوارم نفع آن به همگان برسد، کوشیدم که فقط چهار حدیث باشد آنهم بخاطر آسان بودن حفظ آن، و تاسی به علمای سابقین که در فنون مختلف چهار حدیث را جمع آوری می کردند، و آنرا ترتیب داده ام به روش کتاب و باب و تعداد آن به چهار و سه حدیث رسید، که بر خود لازم دانستم تا تمامی آن از احادیث شیخین (بخاری و مسلم) [متفق علیه] یا یکی از آنها، یا اینکه اهل و علمای حدیث حکم صحت و خوب به آن داده باشند.

به همین تعداد در شرح آن کتابی نوشته ام، از خداوند علی القدير خواهانم آنرا از من قبول فرماید، و به من پاداش نیک عطا فرماید، و از اشتباهاتم بگذرد و گناهانم را ببخشد، و نیتم را اصلاح نماید، و مرا در گفتار نیک و عمل صالح و دور از فتنه و آشوب بمیراند. آمین.

محمد بن شاکر الشریف

[باب ماندن زن در خانه اش بهتر از خارج شدن از آن است، حتی اگر هم بسوی مسجد باشد]

۱ - عبدالله بن عمر م از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((لا تمنعوا نساءکم المساجد، وبيوتهن خير لهن)) (.)  
زنان خود را از رفتن به مساجد منع نکنید، ولی خانه هایشان (برای نماز خواندن) بهتر (و ثواب بیشتر) از مساجد دارد.

[باب جایز بودن خروج زنان برای قضای حاجت خود]

۲ - عائشة ل از رسول الله ص روایت می کند که فرمودند: ((قد أذن أن تخرجن فی حاجتكن)) (.)  
برای قضای حاجات و برطرف کردن آن به شما اجازه خروج از خانه داده شده است.

[باب اینکه خروج زن از خانه باعث مفسده و فتنه خواهد شد]

۳ - عبدالله بن مسعود ﷺ از رسول الله ص روایت می‌کند که فرمودند: ((إن المرأة عورة فإذا خرجت استشرفها الشيطان، وأقرب ما تكون من وجه ربها وهي فی مقر بيتها)) (.)

زن عورت است، و هنگامی که از خانه بیرون می‌رود شیطان او را زینت و آرایش می‌دهد، و نزدیکترین جا به خدایش درون خانه اش می‌باشد.

استشرفها الشيطان: او را در چشم های مردان زینت و آرایش می‌دهد تا به او نگاه کنند، تا آنها را فاسد کند.

[باب اینکه نباید زن از خانه اش بیرون رود مگر به اجازه شوهر، و اگر اجازه نداد درست نیست خارج شود]

۴ - عبدالله بن عمر ک روایت می‌کند که: ((كانت امرأة لعمر تشهد صلاة الصبح والعشاء فی الجماعة فی المسجد، فقيل لها: لم تخرجين وقد تعلمين أن عمر يكره ذلك ويغار؟ قالت: وما يمنعه أن ينهاني؟ قال: يمنعه قول رسول الله ص: لا تمنعوا إماء الله مساجد الله)) (.)

یکی از زنان عمر س نماز صبح و عشاء را در مسجد با جماعت ادا می کرد (در جماعت حضور می یافت)، پس به او گفته شد: چرا از خانه بیرون می‌روی (و نماز را با جماعت می‌خوانی) در حالیکه می‌دانی عمر از این کار خوشش نمی‌آید! در جواب گفت: چه چیز او را باز می‌دارد که مرا از این کار نهی کند؟ در جواب به او گفته شد: قول رسول الله ﷺ که می‌فرماید: کنیزان خدا (زنان) را از رفتن به مساجد منع نکنید.

[باب منع کردن زن از استعمال عطر و بوی خوش هنگام بیرون رفتن او به سوی مسجد و غیر از مسجد]

۵ - أبو موسی أشعری س از رسول الله ﷺ روایت می کند که فرمودند: ((إذا استعطرت المرأة فمرت علی القوم لیجدوا ريحها فهی كذا وكذا، قال قولاً شديداً، وفي لفظ: فهی زانية)) (.)

اگر زن به خود عطر و بوی خوش زد و بر قومی (مردان) عبور کرد تا بوی او را بشنوند، پس او چنین و چنان است، سخنی بسیار شدید و غلیظی، و در لفظ دیگر: پس او زنا کار است.

[باب منع کردن زنان از اظهار و آشکار نمودن زینت و آرایش هنگام بیرون رفتن از خانه]

۶ - فضالة بن عبید ﷺ از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((ثلاثة لا تسأل عنهم: رجل فارق الجماعة وعصى إمامه فمات عاصياً، وأمة أو عبد أبق من سيده فمات، وامرأة غاب عنها زوجها وقد كفاها مؤونة الدنيا فتبرجت بعده، فلا تسأل عنهم)) (.)

سه نفر از آنها سؤال و پرسش مکن (که عذابشان شدید و دردناک است): مردی که از جماعت مسلمانان مفارقت کرد، و به امام و فرمانروای خود عصیان نمود، و در همان حالت فوت کرد، یعنی در حالت عصیان خود به امام فوت کرد.

و کنیز و برده ای که از ارباب خود فرار کرده فوت می‌کند، و زنی که شوهرش غایب است در حالیکه از متاع و خوشی دنیا همه چیز برایش فراهم کرده سپس با اینحال تبرج می‌کند. پس دیگر از اینها سؤال و پرسش مکن که عذابشان دردناک است.

تبرج: آشکار کردن زینت و آرایش خود برای مردان.

[باب نهی و منع کردن زنان از سفر بدون محرم]

۷ - عبدالله بن عباس ک از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((لا تسافر المرأة إلا مع ذي محرم، ولا يدخل عليها رجل إلا ومعها محرم، فقال رجل: يا رسول الله إني أريد أن أخرج في جيش كذا وكذا، وامرأتی تريد الحج، فقال: أخرج معها)). [متفق عليه].

زن مسافرت نکند مگر اینکه با محرم خود باشد.

و هیچ مردی بر او داخل نشود، مگر اینکه با او محرم باشد، یکی از صحابه گفت: ای رسول خدا! من می‌خواهم با جیش و لشکر فلانی برای جنگ بروم، و زخم می‌خواهد به حج برود، رسول الله ﷺ فرمود: با زن خود به حج برو.

[باب: اینکه بایستی در مسجد دروازه ای مخصوص و ویژه زنان باشد]

۸ - نافع از عبدالله بن عمر ک از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((لو تركنا هذا الباب للنساء، قال نافع: فلم يدخل منه ابن عمر حتى مات)). (.)

اگر این دروازه را فقط برای زنان می‌گذاشتیم، (یعنی فقط ویژه زنان بود) نافع گوید: ابن عمر ک بعد از این سخن از آن دروازه داخل نشد تا اینکه فوت نمود.

[باب: برای زنان رفتن به وسط و میان راه جایز نیست]

۹ - أبو أسيد الأنصاري ﷺ - در حالی که از مسجد بیرون می‌رفت و مردان با زنان در راه با هم اختلاط می‌کردند و در هم می‌آمیختند - از رسول الله ﷺ شنید که به زنان چنین فرمودند:

((استأخرن فإنه ليس لكن أن تحققن الطريق، عليكم بحافات الطريق، فكانت المرأة تلتصق بالجدار حتى إن ثوبها ليلعلق بالجدار من لصوقها به)). (.)

ای زنان کنار روید که برای شما به وسط راه رفتن جایز نیست، بر شماسست که از کنار راه و جاده بروید، پس زن خود را به دیوار می‌چسباند تا اینکه لباسش به دیوار می‌چسبید، چون به شدت خود را به دیوار می‌چسباند تا برود.

[باب: طواف کردن زنان بدون اختلاط و آمیزش با زنان]

۱۰ - عن ابن جريج قال أخبرني عطاء - إذ منع ابن هشام النساء الطواف مع الرجال - قال: كيف يمنعهن وقد طاف نساء النبي ﷺ مع الرجال؟ قلت: أبعد الحجاب أو قبل؟ قال: أي لعمري لقد أدركته بعد الحجاب، قلت: كيف يخالطن الرجال؟ قال: لم يكن يخالطن، كانت عائشة ك تطوف حجرة من الرجال لا تخالطهم)). (.)

(عبدالملك) ابن هشام هنگام فرمانروائی خود طواف کردن زنان را با مردان منع کرد، گفت چگونه آنها را منع می‌کند در حالیکه زنان پیامبر ﷺ با مردان طواف می‌کردند، گفتم: این حادثه بعد از نزول حجاب (فرض شدن حجاب) بود (یعنی طواف کردن زنان با مردان)؟ گفت: ای والله من این را بعد از فرض شدن حجاب بر زنان) دیدم، گفتم: چگونه با مردان اختلاط می‌کردند؟ گفت: با مردان اختلاط نمی‌کردند، عایشه ک در حال طواف از یک کنار مردان رفته و طواف می‌کرد و با آنها اختلاط نمی‌کرد.

[باب: منع کردن مردان از داخل شدن به زنان نامحرم]

۱۱ - عقبه بن عامر ﷺ از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((ياكم والدخول على النساء، فقال رجل من الأنصار: يا رسول الله أفرأيت الحو؟ قال: الحو الموت)). (.)

وای بر شما که بر زنان داخل شوید - با زنان خلوت کنید - مردی از انصار گفت: ای رسول الله ما را از دخول حمو با خبر کن؟ آنحضرت ﷺ فرمود: الحمو: الموت، یعنی مرگ است. (.)

[باب: مجالس و کلاس درس مخصوص زنان در جای مستقل از مردان در وقت احتیاج به آن]

۱۲ - أبو هريرة □ روایت می کند که زانی نزد رسول الله □ آمدند و گفتند: ((یا رسول الله ما نقدر علیک فی مجلسک من الرجال، فواعدنا منک يوماً نأتیک، فقال: موعدکن بیت فلان، وأتاهن فی ذلك الیوم ولذک الموعد قال: فکان مما قال لهن یعنی ما من امرأة تقدم ثلاثاً من الولد تحتسبهن إلا دخلت الجنة، فقالت امرأة منهن: أو اثنان قال: أو اثنان)) ( ).  
ای رسول خدا نمی توانیم در مجالس مردان شرکت کنیم، پس برای ما یک روز وعده بگذار تا در آن روز نزد تو بیاییم (برای کلاس درس)، رسول خدا □ در جواب فرمودند: وعده شما در خانه فلانی، و در همان روز در موعد گذاشته شده، آمد و از آنچه به زنان گفته بود این حدیث بود: هیچ زنی نیست که سه فرزند خود را از دست نهد و اجر و پاداش را از خدا بخواهد، مگر اینکه به بهشت وارد می شود، زنی گفت: اگر دو فرزند باشد؟! فرمودند: اگر هم دو فرزند باشد.  
[باب: جنازه را مردان حمل میکنند نه زنان]

۱۳ - أبو سید الخدری □ روایت می کند که رسول الله □ فرمودند: إذا وضعت الجنازة واحتملها الرجال علی أعناقهم فإن کانت صالحه قال: قدمونی، وإن کانت غیر صالحه قالت: یا ویلها این یذهبون بها؟ یسمع صوتها کل شیء إلا الإنسان ولو سمعه لصعق)) ( ).

هنگامی که جنازه گذاشته می شود و مردان آنرا بر دوش خود حمل می کنند، اگر شخص صالح بود، می گوید: مرا بجلو ببرید، و اگر بدکار بود می گوید: وای بر او، او را به کجا می برید، همه چیز صدای او را می شنود مگر انسان و اگر انسان صدای او را بشنود بی هوش می شود.

[باب: منع کردن زنان از دخول به استخر شنا و مانند آن]

۱۴ - از أبو الملیح الهذلی روایت است که بعضی از زنان شهر (حمص) ( ) اجازه دخول به عایشه خواستند. عایشه گفت: ممکن است شما از کسانی باشید که به حمامهای عمومی (استخر شنا) داخل می شوند.  
از رسول الله □ شنیدم که می فرمود: ((ایما امرأة وضعت ثیابها فی غیر بیت زوجها فقد هتکت ستر ما بینها و بین الله)) ( ).  
هر زنی لباس خود را در غیر از خانه شوهرش بیرون آورد او ستر و پرده بین خود و بین خدا را پاره کرده است.  
[ نهی کردن زن از اینکه برهنه خود را به زن دیگری بچسپاند، و اینکه زن برای شوهرش زنان دیگر را توصیف نماید ]  
۱۵ - عبدالله بن مسعود □ روایت می کند که رسول الله □ فرمودند: ((لا تباشر المرأة المرأة فتنعتها) ( لزوجهها، کأنه ینظر إلیها)) ( ).

نباید دو زن با جسمی برهنه به هم بچسبند، و آنرا برای شوهر خود توصیف ننمایند، چنانکه گویا شوهرش به طرف آن زن نگاه می کند.

[باب منع کردن زن از سخن در مقابل مردان نامحرم، مگر در وقت ضرورت]

۱۶ - أبو هریره □ روایت می کند که رسول الله □ فرمودند: ((التسبیح للرجال، والتصفیق للنساء)) ( ).  
تسبیح گفتن برای مردان است، و دست به هم زدن برای زنان است.  
این موضوع در وقت نماز است که وقتی امام اشتباه کرد مردان می گویند: (سبحان الله) و زنان دو دست خود را به هم می زنند.

[باب: حرام بودن نیاحت و اوایلا هنگام فوت کردن شخص، و جایز بودن گریه]

۱۷ - أم عطیه ک روایت می کند که: ((أخذ علینا النبی □ عند البیعة أن لا نوح، فما وفت منا امرأة غیر خمس نسوة)) ( ).  
رسول الله □ هنگام بیعت با او، عهد و پیمان بست که بر شخص مرده نیاحت ( ) نکنیم، و بجز پنج زن بقیه به این عهد و پیمان وفا نکردند.

[باب: جایز بودن سلام مرد بر زن، و سلام زن بر مرد هنگامی که از فتنه ایمن باشد]

۱۸ - أسماء بنت اُبی بکر م روایت می‌کند که رسول الله ﷺ بر جمعی از زنان که در مسجد نشسته بودند عبور کرد و با دست خود بطرف ایشان اشاره به سلام نمود، و فرمود: ((إياكن وكفران المنعمين، إياكن وكفران (المنعمين)) ( ) .  
بر حذر باشید از این که بر نعمت خدا کافر شوید، و آنرا دو بار تکرار نمودند.

[باب: جایز بودن سخن گفتن مردان با زنان، و زنان با مردان هنگام ضرورت بدون هیچ شک و تردید]

۱۹ - انس ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ بر زنی که بر قبری ایستاده و گریه می‌کرد عبور کرد و فرمود: ((اتقی الله واصبری)) ( ) .

تقوا پیشه کرده صبر کن.

[باب: جایز بودن اینکه زن خود را بر مرد صالح عرضه کرده و درخواست ازدواج با او کند]

۲۰ - انس ﷺ روایت می‌کند که: ((جاءت امرأة إلى رسول الله ﷺ تعرض عليه نفسها، قالت: يا رسول الله ألك إلى حاجة؟ فقالت: بنت أنس: ما أقل حياءها واسواتها، قال: هي خير منك، رغبت في النبي ﷺ فعرضت عليه نفسها)) ( ) .

زنی آمد و خود را برای ازدواج با رسول الله عرضه نمود و گفت: آیا مرا برای ازدواج با خود می‌خواهی؟ دختر انس گفت: وای بر من، چقدر این زن بی حیا است، انس در جواب به دخترش گفت: این زن از تو بهتر است، او آرزوی ازدواج با پیامبر را داشت، و خود را به او عرضه نمود.

[باب: اینکه زن را نباید مجبور کرد با کسی که او را نمی‌خواهد به ازدواج در آورد، و اگر ولی و سرپرست او بطور اجبار او را با کسی که نمی‌خواهد به ازدواج بیرون آورد، ازدواج او باطل است]

۲۱ - عبدالله بن عباس م روایت می‌کند که: ((أنَّ جاريةً بكَراً أتت النبي ﷺ فذكرت أنَّ أباهَا زوجها وهي كارهة، فخيَّرها النبي ﷺ)) ( ) .

دختری باکره نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت که پدرش او را به ازدواج کسی در آورده که او را نمی‌خواهد و کراهت دارد، رسول الله ﷺ او را به اختیار خودش گذاشت.

یعنی به او اختیار داد که اگر بخواهد نزد او بماند، وگرنه او را ترک کند.

[باب: جایز نیست که زن هنگام ازدواج شرط بگذارد که بعد از مرگ شوهرش ازدواج نکند]

۲۲ - أم بشر گوید: ((أنَّ النبي ﷺ خطب امرأة البراء بن معرور، فقالت: إنني شرطت لزوجي أن لا أتزوج بعده، فقال النبي ﷺ: إن هذا لا يصلح)) ( ) .

رسول الله ﷺ از زن البراء بن معرور خواستگاری کرد، زن در جواب گفت: من با شوهرم شرط بسته‌ام که بعد از مرگ او با دیگری ازدواج نکنم، رسول الله ﷺ در جواب فرمود: این شرط جایز نیست.

[باب: حرام بودن اینکه زن از شوهرش بدون هیچ سبب طلاق یا خلع ( ) بخواهد]

۲۳ - ثوبان ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((أیما امرأة سألت زوجها الطلاق فی غیر ما بأس، فحرام علیها راحة الجنة)) ( ) .

هر زنی که بدون هیچ سبب از شوهرش طلاق بخواهد بوی بهشت بر او حرام خواهد بود، یعنی بهشت را نخواهد دید.

[باب: جایز بودن سرود دخترهای کوچک و دپ زدن هنگام عروسی و مانند این و گوش کردن مردها به آن]

۲۴ - ربیع بنت معوذ روایت می‌کند که: ((جاء النبي ﷺ یدخل حین بُنی علیّ، فجلس علی فراشی کمجلسک منی، فحعلت جویریات لنا یضربن بالدف ویندبن من قتل من آبائی یوم بدر إذ قالت إحداهن: وفینا نبی یعلم ما فی غد، فقال: دعی هذه وقولی بالذی کنت تقولین)) ( ) .

وقتی عروسی کردم پیامبر آمد و چنانکه تو نشستی نشست، و بعضی از دخترهای (کوچک) برایمان دف زده و از پدرانمان که در غزه بدر کشته شده بودند مرثیه می‌گفتند، و یکی از آن دختران گفت: و در بین ما پیامبری است که آنچه فردا خواهد بود

می‌داند، آنحضرت □ فرمود: این جمله را بگذار و آنچه قبل از این می‌گفتی بگو، مقصود انکار از (غیب دانستن پیامبر □ می‌باشد).

[باب: اینکه حق شوهر بر همسر خود بسیار است]

۲۵ - از عبدالله بن ابی اوفی □ روایت است که رسول الله □ فرمودند: ((لو كنت امرأ أحداً أن يسجد لغير الله، لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، والذي نفس محمد بيده لا تؤدى المرأة حق ربها حتى تؤدى حق زوجها، ولو سألتها نفسها وهي على قنبر (لم تمنعه)) (.)

اگر امر می‌کردم که شخصی برای غیر از خدا سجده کند، امر می‌کردم که زن برای شوهر خود سجده کند، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، زن حق خدا را ادا نمی‌کند [یعنی از او قبول نمی‌شود] تا اینکه حق شوهرش را ادا نماید، اگر از زن خود چیزی بخواهد، گرچه بر زمین شتری هم باشد او را اجابت کرده و امتناع نمی‌ورزد.

[باب: فرشتگان زنی که در شب فراش شوهرش را ترک می‌کند او را لعنت می‌کنند تا اینکه صبح کند]

۲۶ - أبوهريه □ از رسول الله □ روایت می‌کند که فرمودند: ((إذا باتت المرأة مهاجرة فراش زوجها، لعنتها الملائكة حتى ترجع)) (.)

اگر زن فراش شوهرش را ترک کند، فرشتگان همچنان او را لعنت می‌کنند تا اینکه به فراشش باز گردد.

[باب: تحریم کفران العشير(کفر ورزیدن به نعمتهای شوهر)]

۲۷ - عبدالله بن عباس م روایت می‌کند که رسول الله □ فرمودند: ((أرأيت النار، فإذا أكثر أهلها النساء، يكفرن قيل: أيكفرن بالله؟ قال: يكفرن العشير، ويكفرن الإحسان، لو أحسنت إلى إحداهن الدهر ثم رأيت منك شيئاً قالت: ما رأيت منك خيراً قط)) (.)

آتش جهنم به من نشان داده شد، و دیدم که بیشترین أهل و مردمان آن زنها را تشکیل می‌دهند، چون کفر می‌ورزند، گفته شد: به خدا کفر می‌ورزند؟ فرمود: به شوهر خود کفر می‌ورزد، و به نیکی‌های او کفر می‌ورزند، اگر به یکی از آنها یک دنیا نیکی و خوبی بکنی، و یک خطا و اشتباه و بدی از تو ببیند، می‌گوید: هرگز و هیچ خیری از تو ندیده ام.

[باب: اگر شوهر همسر خود را به معصیت و گناهی دعوت نمود، باید زن از آن گناه اجتناب ورزیده و دعوت او را قبول نکند]

۲۸ - از عائشه ل روایت است که: ((أن امرأة من الأنصار زوجت ابنتها، فتمطت شعر رأسها، فجاءت إلى النبي □ فذكرت ذلك له، فقالت: إن زوجها أمرني أن أصل في شعرها، فقال: لا، إنه قد لعن الموصلات)) (.)

زنی از انصار دخترش را به ازدواج یکی بیرون آورد، و موهای سرش افتاد، و به نزد پیامبر □ آمد و جریان را به او عرض نمود، و گفت: شوهرش به من امر کرده که برای او موهای دیگری (باروکه) بیاورم، آنحضرت □ فرمودند، خیر اینکار مکن، چون کسانیکه مو را وصل می‌کنند، لعنت شده اند.

[باب: اینکه جایز نیست که زن از مال خود هدیه دهد مگر به اجازه شوهرش]

۲۹ - رسول الله □ فرمودند: ((لا يجوز للمرأة أمر في مالها إذا ملك زوجها عصمتها)) (.)

جایز نیست که زن وقتی شوهر کرد از مال خود هدیه کند مگر با اجازه شوهرش (.)

[باب: خدمتکاری زن به شوهر و کسانیکه شوهر سرپرستی آنها را به عهده دارد]

۳۰ - جابر بن عبدالله □ گوید: ((هلك أبي وترك سبع بنات أو تسع، فتزوجت امرأة ثيباً فقال لي رسول الله □: تزوجت يا جابر؟ فقلت: نعم، فقال: بكرة أم ثيباً؟ قلت: بل ثيباً، قال: فهلا جارية تلاعبها وتلاعبك، وتضاحكها وتضاحكك؟ قال: فقلت له: إن عبدالله هلك وترك بنات، وإني كرهت أن أجيئن بمثلهن، فتزوجت امرأة تقوم عليهن وتصلحن، فقال: بارك الله لك، أو خيراً)) (.)

پدرم فوت کرد و هفت یا نه دختر بجا گذاشت، و من با زنی ثیبه (بیوه) ازدواج کردم، رسول الله ﷺ به من گفت: ای جابر! آیا ازدواج کرده ای؟ گفتم: بلی، آنحضرت ﷺ فرمود: باکره یا ثیبه (با دختر و یا با زن)؟ گفتم با ثیبه، فرمود: آیا با دختری ازدواج نکردی که با او بازی کنی و او با تو بازی کند، و با او بخندی، و او با تو بخندد؟ جابر: به آنحضرت ﷺ گفتم: عبدالله (پدرم) فوت کرد و دخترها را بجا گذاشت، و کراهت داشتیم که مانند آنها با دختری ازدواج کنم، پس با زنی ازدواج کردم تا سرپرستی آنها را به عهده بگیرد، رسول الله ﷺ فرمود: خدا به تو برکت دهد، یا فرمود: خوب کردی.

[باب: واجب بودن نفقه زن و فرزندان بر شوهر]

۳۱ - عائشه ل روایت می‌کند که: ((أَنَّ هِنْدًا بِنْتَ عَتْبَةَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبَا سَفِيَانَ رَجُلًا شَحِيحًا، وَلَيْسَ يَعْطِينِي مَا يَكْفِينِي وَوَلَدِي إِلَّا مَا أَخَذْتُ مِنْهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ، فَقَالَ: خَذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ)) (.)

هند دختر عتبه گفت: ای رسول خدا! ابو سفیان مرد بخیلی است، و به من چیزی که کفایت خود و فرزندم باشد نمی‌دهد، مگر آنچه که من بدون علم او از او بگیرم، و او نداند.

حضرت ﷺ فرمود: آنچه که برای خود و فرزندان کفایت کند بطور معروف (عدم اسراف) از او بگیر، (و مهم نیست که او نداد).

[باب: تحریم تغییر دادن خلق و آفریده خدا برای خوشگلی و زینت و آرایش]

۳۲ - از عبدالله بن مسعود ﷺ روایت است که گفت: ((لَعَنَ اللَّهُ الْوَأَشْمَاتَ وَالْمَسْتَوْشِمَاتَ، وَالنَّامِصَاتَ وَالْمَتَمِصَّاتَ، وَالْمَتَفَلِّجَاتَ لِلْحَسَنِ الْمَغْبِرَاتِ خَلَقَ اللَّهُ، مَا لِي لَا أَلْعَنُ مِنَ لَعْنِ النَّبِيِّ ﷺ، وَهُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)) (.)

خداوند خالکوب و خالکوب کننده و نامص (باریک کردن ابرو، و کسبیکه برای دیگری اینکار را انجام می‌دهد) و کسانیکه بین دندانهای خود فاصله قرار می‌دهند، و می‌گشایند (برای زیبایی) و اینها همه از تغییر خلق و آفریده خداست، لعنت کرده است، پس چرا من کسانی که پیامبر آنها را لعنت کرده، لعنت نکنم، و آنها در کتاب خداست که می‌فرماید: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و آنچه نهی کرده خوداری نمائید، و از (مخالفت) خدا بپرهیزید.

[باب: منع کردن زن از پوشیدن لباسهای تنگ که حجم جسم را نمایان می‌کند، و از لباسهای شفاف که جسم را آشکار می‌نماید، و از لباسهای کوتاه که تمامی جسم را نمی‌پوشاند، و از جمع کردن مو بر بالای سر (کاکل) و حرام بودن همه اینها]

۳۳ - ابو هریره ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((صَنَفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أُرْهِمَا: قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ، وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٍ عَارِيَاتٍ مُمِيلَاتٍ مَائِلَاتٍ رُؤُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ، لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا، وَإِنَّ رِيحَهَا لِيُوجِدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا)) (.)

دو صنف از اهل آتش اند که آنها را ندیده ام، مردمانی هستند که تازیانه دارند مانند دم گاو، با آن به مردم می‌زنند، و زنانی هستند برهنه و عریان که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه بر تن می‌کنند، و از طاعت و فرمان خدا منحرف اند، و زنان دیگر را بطرف خود کشانده فاسد می‌کنند، و (موی) سرشان مانند سنام و کوهان شتر است که به اینطرف و آنطرف می‌رود، اینها به بهشت داخل نمی‌شوند، و بوی بهشت هم به مشامشان نمی‌رسد، در حالیکه بوی بهشت از مسافت چنین و چنان به مشام می‌رسد (.)

[باب: نهی کردن زن از رساندن موهای غیر، و موهای جعلی آوردن و زیاد کردن مو با آن موهای دروغین و بیان اینکه این عمل از اخلاق یهودیان است]

۳۴ - سعید بن المسیب: گوید: معاویه ﷺ به مدینه آمد و خطبه خواند و کبه ای از مو بیرون آورد و گفت: فکر می‌کردم بجز یهود کسی دیگر اینکار را نمی‌کند، به رسول خدا ﷺ این کار (رسیدن مو به موی سر زن) رسید، و آنرا جعلی و زور نامید. کبه: موی روی هم ریخته.

و در روایتی: ((أَنَّ معاويةَ قال ذات يوم: إِنَّكُمْ قد أحدثتم زى سوء، وإنَّ نبيَّ الله ﷺ نهى عن الزور، قال: وجاء رجل بعضاً على رأسها خرقه، قال معاوية: ألا وهذا الزور، قال قتادة (الروای عن سعيد) یعنی ما تكثر به النساء أشعارهن من الخرق)) ( ).  
روزی معاویه ﷺ گفت: بین شما لباسی بدی ظاهر شده و پدید آمده، پیامبر ﷺ از دروغ و باطل نهی کرده است، ابن‌المسیب گوید: در این حال مردی وارد شد و عصایی داشت و بر سر و نوک عصا تکه پارچه ای بود، معاویه گفت: این همان زور و جعلی و دروغ و باطل است.

قتاده راوی حدیث از سعید بن‌المسیب گفت: یعنی آنچه زنان به موهای خود از تکه پارچه‌ها وصل می‌کنند.  
[باب: نهی زنان در جعلی کردن لباس و تظاهر به آنچه به آنها داده نشده]

۳۵ - از عائشه ل: ((أَنَّ امرأةَ قال: يا رسول الله أقول إنَّ زوجي أعطاني ما لم يعطني؟ فقال رسول الله ﷺ: المتشبع بما لم يعط كلابس ثوبي زور)) ( ).

زنی به رسول الله ﷺ گفت: (به زن شوهرم می‌گویم) که شوهرم به من (این و آن) را داده، در حالیکه در حقیقت چیزی به من نداده، (کنایه از افتخار کردن مقابل زن شوهر)، رسول الله ﷺ فرمودند: تظاهر کننده به آنچه به او داده نشده مانند کسی است که لباس دروغین پوشیده ( ).

[باب پوشیدن زنان کفشهای بلند و بیان اینکه این عمل از کردار زنان یهود است]

۳۶ - أبو سعید الخدری ﷺ از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((كانت امرأةٌ من بنی اسرائیل قصيرةٌ تمشي مع امرأتين طوبلتين فاتخذت رجلين من خشب، وخاتماً من ذهب مُعلق مُطبّق ثم حشته مسكاً، وهو أطيب الطيب، فمرت بين امرأتين فلم يعرفوها، فقالت بيدها هكذا، ونفض شعبةً (أحد الرواة) يده)) ( ).

زنی از زنان بنی اسرائیل کوتاه قد بود، و با دو زن بلند قد می‌رفت، این زن دو پای تخته‌ای و یک انگشتر از طلا که بسته بود برای خود گرفت و آنرا پر از عطر مشک نمود، و مشک از بهترین عطرهاست، پس بین آن دو زن بلند قد رفت و آنها او را نشناختند، و زن با دست خود بطرف آنها اشاره کرد ( ).

[باب: نهی کردن زن از اینکه موی سر خود را در حج و غیر از حج بتراشد]

۳۷ - از ابن عباس م روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: ((ليس على النساء الحلق، إنما على النساء التقصير)) ( ).  
بر زنان تراشیدن سر جایز نیست، بلکه بر آنها جایز است که موهای خود را کوتاه کنند.

[باب: رنگ کردن دستها و پاهای زن]

۳۸ - از عائشه ل روایت است که: ((أومت امرأةٌ من وراء ستر بيدها كتاب إلى رسول الله ﷺ فقبض النبي ﷺ يده، فقال: ما أدري أيد رجل أم يد امرأة قالت: بل امرأة، قال: لو كنت امرأةً لغيّرت أظفارها، يعني بالحناء)) ( ).  
زنی با دست خود از پشت پرده و حجاب نامه ای را به رسول الله ﷺ داد، آنحضرت ﷺ دست خود را کشید، و آنرا نگرفت، و فرمود: نمی‌دانم این دست مردی است یا دست زن، زن گفت: بلکه دست زن است، آنحضرت ﷺ در جواب فرمود: اگر دست زن بود ناخنهای خود را با حنا تغییر می‌داد ( ).

[باب: پوشاندن زن صورت خود را در حضور مردان نامحرم، ولی اگر مرد نامحرم نبود جایز است صورت خود را نمایان کند]

۳۹ - از عبدالله بن عمر م روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: ((لا تنتقب المرأةُ المحرمةُ ولا تلبس القفازين)) ( ).  
زنی که در احرام است صورت خود را با نقاب و روبند نپوشاند، و همچنین دست کش دست نکند ( ).

[باب: برای زن پوشیدن لباس حریر (أبریشم) و طلا جایز است]

۴۰ - از أبو موسی الأشعری ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: ((حرم لباس الحرير والذهب على ذكور أمتي، وأحل لإناثهم)) ( ).

پوشیدن لباس حریر و طلا برای مردان امت من حرام شده است، و برای زنان حلال است.



[باب: پوشیدن لباس معصفر و مانند آن برای زنان مباح است]

۴۱ - عبدالله بن عمرو بن العاص م روایت می‌کند که: ((رأى النبى □ على ثوبين معصفرين فقال: أمك أمرتك بهذا؟ قلت: أغسلهما، قال: بل أحرقهما)) (.)

پیامبر □ دو لباس معصفر ( ) را بر تن من دید، و فرمود: مادرت بتو امر کرده که اینرا بپوشی؟ (یعنی این عمل را انکار کرد)، گفتم: آنرا می‌شویم؟ فرمود: بلکه آنرا بسوزان.

[باب: بر حذر داشتن زنان از نمایان کردن زینت و آرایش خود برای مردان نامحرم، طلا و لباسی که با رنگ (معصفر) سرخ و زرد و مانند آن باشد]

۴۲ - از أبوهریره □ روایت است که پیامبر فرمودند: ((ويل للنساء من الأحمرین الذهب والمعصفر)) (.)

وای بر زنانی (که دو چیز سرخ را برای مردان اجانب و نامحرم نمایان می‌کنند) طلا و لباس سرخ رنگ خود را.

[باب حرام بودن تشبیه زن با مردان در لباس و حرکت و سخن و مانند اینها]

۴۳ - عبدالله بن عباس م روایت می‌کند که: ((لعن رسول الله □ المتشبهن من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال)) (.)

پیامبر □ زنانی که خود را به مردان همانند می‌کنند، و مردانی که خود را به زنان همانند می‌کنند لعنت فرموده است. والحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلّم